

حیات برزخی از دیدگاه آیات و روایات

* مرضیه خزعلی
** سید مرتضی موسوی گرمارودی

چکیده

چگونگی حیات برزخی و مراحل پس از آن از جمله مسائلی است که همواره ذهن انسان را به خود مشغول ساخته است. برشی از آیات قرآن نظیر: مومنوں / ۱۰۱ - ۱۰۰؛ آل عمران / ۱۷۰ - ۱۶۹؛ یس / ۲۷ - ۲۶؛ مومن / ۱۱ و ۴۶؛ منافقون / ۱۰؛ محل / ۳۲؛ بهروشی بیانگر وجود عالم برزخ و ویژگی‌های آن است، چنان‌که حیات جاویدان شهیدان راه خدا و پاداش‌های آنان گواه روشنی بر عالم برزخ و نعمت‌های برزخی است. همچنین روایات فراوانی - که در برشی از آنها ادعای توادر شده است - درباره عالم برزخ و کیفیت زندگی در آن و گزارش‌های مربوط به احوال اولیای الهی و انسان‌های متقدی و گنهکار و میزان و کیفیت رابطه آنها با دنیا و مراحل عالم برزخ، در منابع فریقین آمده است.

واژگان کلیدی

عالی برزخ، حیات برزخی، نعمت‌های برزخی، عذاب برزخی، شفاعت در برزخ.

*. مری دانشگاه الزهراء و دانشجوی دکتری قرآن و متون اسلامی دانشگاه معارف اسلامی.
mkh3795@gmail.com
**. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی مشهد.
mgarmaroodi@yahoo.com
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۲/۱۴ تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۲/۱۵

طرح مسئله

حیات بزرخی یا جهان پس از مرگ و مراحل مختلف آن از مهم‌ترین آموزه‌های دینی است که بدون راهنمایی وحی مسائل آن برای انسان غیرقابل دسترسی است و اندیشه انسان به بسیاری از مسائل آن راه ندارد، از این‌رو حیات پس از مرگ از مشکل‌ترین مسائل بشری در طول تاریخ است و بشر از دیرزمان تلاش کرده تا سرنوشت پس از مرگ خویش را دریابد و پاسخی روشن به حس کنگناکی خود از فرجام کار جهان بدهد و همواره این سؤال مطرح بوده است که آیا با مرگ شعله زندگی انسان برای همیشه خاموش می‌شود و یا با مرگ حیات دیگری که باشکوه‌تر از حیات دنیوی است، آغاز می‌گردد؟

فیلسوفان و متفکران غیردينی در این باره پاسخ قاعع‌کننده‌ای به انسان نداده‌اند؛ چراکه فکر آنها از عالم ماده فراتر نمی‌رود و راهی به جهان پس از مرگ ندارد. اما فیلسوفان الهی به کمک وحی بهترین پاسخ را به پرسش‌های انسان‌ها داده‌اند که وجود، عقل و منطق آن را تأیید می‌کند. از دیدگاه دین مرگ پایان زندگی بشر نیست بلکه آغاز مهم‌ترین حوادث و رویدادهای است که نخستین مرحله آن، زندگی بزرخی است.

مفهوم‌شناسی بزرخ

بزرخ از نظر لغوی به معنای حائل و فاصله میان دو چیز است و به هر آنجه که میان دو چیز یا دو مرحله قرار گیرد، بزرخ گویند. (ابن‌فارس، ۱:۱۴۰۴ / ذیل مدخل بزرخ) و در اصطلاح مفسران و متكلمان عمداً به معنای فاصله میان دنیا و آخرت به کار می‌رود. (طوسی، ۱۳۸۳ / ۴: ۳۹۴)

واژه بزرخ در قرآن مجید سه بار به کار رفته است. مقصود از بزرخ در دو آیه همان معنای لغوی است؛ یکی در آیه شریفه: «بَيْهُمَا بَرْزَحٌ لَا يَبْغِيَانِ»، (الرحمن / ۲۰) و دیگر در آیه شریفه «وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبُ فُرَاتٍ وَهَذَا مِلْحُ أَجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْهُمَا بَرْزَخًا»؛ (فرقان / ۵۳) در این دو آیه بزرخ به معنای «حاجب و حائلی» است که در دریا بین آب شیرین و شور قرار دارد و از مخلوط شدن آن دو جلوگیری می‌کند.

اما بزرخ در آیه «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبُّ ارْجُونِ * لَعَلَّيْ أَعْمَلُ صَالِحًا فَيَسَّرْ كُتُبُ

کلّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَالُّهَا وَمَنْ وَرَأَهُمْ بَرَزَخٌ إِلَى يَوْمٍ يَعْشُونَ» (مؤمنون / ۱۰۰ - ۹۹) به معنای جهان خیی و به عنوان یکی از منازل و مراحل پس از مرگ به کار رفته است. براساس این آیه شریفه و روایات بسیار که واژه برزخ در آن استعمال شده است، به جهان پس از مرگ تا برپایی روز قیامت «جهان برزخ» می‌گویند.

برزخ در آیات

افرون بر آیات ۹۹ و ۱۰۰ سوره مؤمنون، آیات متعددی وجود دارد که به صراحت یا اشاره از عالم برزخ سخن به میان آورده است. در اینجا به ذکر چند آیه که برخی بیانگر پاداش صالحان در عالم برزخ، و برخی بازگوکننده عذاب صالحان در این عالم است، می‌پردازیم:

(الف) آیات ۱۶۹ و ۱۷۰ سوره آل عمران:

وَلَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ *
فَرِحَّانَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبِيرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحُقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ
أَلَّا حَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزُنُونَ.

ای پیامبر هرگز گمان میر آنها که در راه خدا کشته شدند مردها ند، بلکه زنده هستند و در نزد پروردگارشان روزی داده می شوند آنها به آنچه خداوند از فضل خود داده است، خشنودند و نسبت به کسانی که به آنها ملحق نشده‌اند نیز بشارت می‌دهند که هیچ ترس و اندوهی بر آنها نیست.

در این آیه به نعمت‌ها و الطاف خداوند نسبت به شهداء و خشنودی و شادمانی آنان از الطاف الهی و به زندگی به دور از اندوه آنان در عالم پس از مرگ اشاره شده است. (نظیر این آیه، در سوره بقره آیه ۱۵۴ است)

(ب) آیات ۲۶ و ۲۷ سوره یس:

قَيْلَ اَدْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ * يَمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَ لِي مِنَ
الْمُكْرَمِينَ.

(مؤمن آل فرعون حبیب نجار، وقتی که به دست ستمگران به شهادت رسید) از

طرف خداوند به او گفته شد وارد بهشت شو، او گفت: ای کاش قوم من می‌دانستند که پروردگارم مرا آمرزیده و از گرامی داشتگان قرار داده است.

ج) آیات ۴۶ و ۴۷ سوره مؤمن:

وَحَاقَ بَالِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَدَابِ * الَّذِي يَرْضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَدَابِ.

به فرعونیان عذاب سخت نازل گردید، همان آتش که هر صبح و شام بر آن عرضه می‌شوند، و روزی که قیامت برپا می‌گردد دستور داده می‌شود، آل فرعون را در سختترین عذاب‌ها وارد کنید.

این آیه از دو جهت دلیل بر حیات بزرخی است:

یک) اینکه در این آیه از آتشی سخن بهمیان آمده که هر صبح و شام بر آل فرعون عرضه می‌شود و این همان عذاب بزرخی است چراکه وجود صبح و شام از ویژگی‌های عالم دنیوی و بزرخی است و در عالم قیامت چنین چیزی وجود ندارد.

دو) دیگر اینکه این آیه از وجود عذاب قیامت خبر داده است و اینکه آل فرعون به شدیدترین عذاب گرفتار خواهد شد.

د) آیه ۱۱ سوره مؤمن:

قَالُوا رَبَّنَا أَمْنَّا اُشْتَىنِ وَأَحْبَيْتَنَا اُشْتَىنِ فَاعْتَرَفُنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ.
آنها می‌گویند خدایما را دوبار میراندی و دوبار زنده کردی، هم اکنون به گناهان خود اعتراف داریم آیا راهی برای خروج از (دوزخ) وجود دارد؟

این آیه گفتار کافران در قیامت است، روشن است که تصور دوبار مرگ و دوبار حیات بدون تصور وجود عالم بزرخ بی معناست. این دوبار مردن و دوبار زنده شدن بدین صورت است: مردن در دنیا، زنده شدن در بزرخ، مردن در بزرخ و زنده شدن در قیامت.

این آیات هر کدام به گونه‌ای از قرار گرفتن انسان پس از مرگ در عالمی دیگر حکایت می‌کند که در آنجا از نعمت و عذاب الهی برخوردار است و این نشان از حیات و زندگی در آن عالم دارد.

(ه) آیه ۱۰ سوره منافقون:

وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدُكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا
أَخْرَجْتَنِي إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ.

از آنچه به شما روزی داده ایم اتفاق کنید، قبل از آن که مرگ یکی از شما فرا رسد و بگوید: پروردگارا چرا مرگ مرا مدت کمی به تأخیر نینداختی تا صدقه دهم و انفاق کنم و از صالحان باشم.

این آیه نیز به این نکته اشاره دارد که عالم بزرخ، عالمی پس از مرگ و پیش از قیامت است که گنهکاران در آن درخواست و آرزوی بازگشت و جبران کاستی‌ها در دین می‌کنند اما به آنها پاسخ داده می‌شود که هیچ بازگشتی در کار نیست. (نیز بنگرید به: مؤمنون / ۱۰۰) افزون بر این در آیات متعددی از قرآن از مرگ، تعبیر به «توفی» (قبض و دریافت روح، نه مرگ) شده است مثلاً در آیه ۴۲ سوره زمر چنین آمده است: «الله يَتَوَفَّ الْإِنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا...؛ خداوند، ارواح را هنگام مرگ، قبض و دریافت می‌کند».

این تعبیر نیز بیانگر زنده بودن روح انسان پس از مرگ جسم اوست. همچنین در آیه ۲۵ سوره نوح آمده است:

مِمَّا خَطَّبَنَاهُمْ أَغْرِقُوا فَأَدْخَلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا.
سرانجام همه آنها (قوم گنهکار نوح ﷺ) به خاطر گناهانشان غرق شدند و در آتش دوزخ وارد شدند و جز خدا یاورانی برای خود نیافتدند.

از این آیه استفاده می‌شود که قوم گنهکار نوح ﷺ پس از غرق شدن، بلافصله وارد آتش دوزخ شده‌اند و از آنجاکه هنوز روز قیامت برپا نشده است مقصود از این دوزخ، همان دوزخ عالم بزرخ است.

و) آیات حکایت‌گر گفت‌وشنود ملائکه و انسان‌ها:

از دیگر دلایل وجود عالم بزرخ آیاتی است که بیانگر یک سلسله گفت و شنودها میان ملائکه و انسان‌های نیکوکار و بدکار است در این آیات فرشتگان پس از این گفتگوها خطاب

به انسان‌های صالح و نیکوکار می‌گویند از نعمت‌های الهی بهره ببرید. از این‌رو آنها را در انتظار رسیدن قیامت نمی‌گذارند. دو آیه زیر می‌تواند شاهدی بر این گفتار باشد:

یک. آیه ۳۲ سوره نحل:

الَّذِينَ تَتَوَفَّهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ إِمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ.

کسانی که ملائکه آنها را در حالی که پاکیزه هستند تحويل می‌گیرند به آسان می‌گویند: درود بر شما همانا به موجب کردارهای شایسته خود داخل بهشت شوید.

با توجه به آیات دیگری در قرآن که بهشت و جهنم را برای قیامت می‌داند و ورود به آن پس از برپایی قیامت محقق خواهد شد، می‌توان فهمید که بهشت یاد شده در آیه فوق بهشت برزخی است که انسان‌های پاک و ناآلوهه به محض مردن به آن وارد می‌شوند و از نعمت‌های بی‌کران آن بهره می‌برند.

دو. آیات ۲۶ و ۲۷ سوره یس:

قَبْلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِيْ يَعْلَمُونَ * إِمَّا غَفَرَ لَيِ رَبِّيْ وَجَعَلَ لَيِ مِنَ الْمُكْرَمِينَ.

پس از مرگ به او گفته شد داخل بهشت شو و او گفت ای کاش قوم من (که سخن مرا نشنیدند) اکنون می‌دانستند که چگونه پروردگارم مرا آمرزید و مرا از گرامی داشتگان قرار داد.

همان طور که قبلًا گذشت این آیه سخن مؤمن آل فرعون است که پس از مرگ آرزو می‌کند که کاش قوم او بودند و جایگاهش را می‌دیدند. با دقت در این آیه درمی‌یابیم که این آرزو فقط با حیات برزخی سازگار است که قوم او هنوز در این دنیا بودند و وی به جهان دیگر منتقل شده است و در این صورت است که آرزوی حضور آنان و دیدن نعمت‌های الهی نسبت به وی، معنی می‌یابد؛ زیرا در عالم قیامت همه انسان‌ها از اولین و آخرین جمیع هستند و این درخواست و تمنا جایی ندارد.

از مجموع آیات یاد شده و برخی دیگر از آیات قرآنی چنین استنباط می‌شود که انسان با

مرگ نابود نمی‌شود، بلکه با مرگ، حیاتی تازه می‌یابد و به زندگی خود به‌گونه و در جهانی دیگر با شرایط خاص آن ادامه می‌دهد. قرآن نام آن را برزخ گذارد است.

برزخ در روایات

در منابع حدیثی شیعه و سنی احادیث فراوانی در ارتباط با عالم برزخ و کیفیت زندگی در آن آمده است در این روایات گزارش‌های فراوان و گسترده‌ای درباره حیات برزخی و احوال مجرمان و منقیان ارائه شده است. برخی از بزرگان در این باره ادعای تواتر نموده‌اند. چنانکه خواجه نصیرالدین طوسی در زمینه عذاب قبر می‌نویسد: «و عذاب القبر واقع بالامکان و تواتر السمع بوقوعه». (طوسی، ۱۳۵۳: ۳۳۷) یعنی عذاب قبر واقعیت دارد؛ زیرا از نظر عقلی ممکن است و دلیلی بر محال بودن آن وجود ندارد و روایات متواتر فراوان نیز از وقوع آن خبر داده است. روایات مربوط به عالم برزخ بسیار است که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. نخست به روایاتی در ذیل چند آیه قرآن می‌پردازیم که می‌تواند بیان‌کننده حالات مختلف و چگونگی زندگی در عالم برزخ باشد.

الف) روایات ذیل آیات

یک. آیه ۲۷ سوره ابراهیم

يَبْيَّنُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ.
خداؤند کسانی را که ایمان آورده‌اند به خاطر اعتقاد و گفتار ثابت‌شان، هم در دنیا و هم در آخرت ثابت قدم می‌دارد.

در روایات متعدد آمده: منظور آیه، ثابت قدم بودن مؤمن در عالم برزخ است. علامه

طبرسی در تفسیر مجمع البيان می‌گوید:

اکثر مفسرین متفق‌اند: منظور از آخرت در آیه فوق، عالم قبر است و آیه در مورد سؤال قبر نازل شده است و این تفسیر از ابن عباس و ابن مسعود نیز نقل شده، و از امامان معصوم روایت گردیده است؛ از جمله امیر المؤمنان علیؑ در ضمن گفتاری فرمود: هنگامی که دو فرشته نکیر و منکر وارد قبر می‌شوند، از

مؤمن می‌پرسند: خدا، دین و پیغمبرت کیست؟ او در پاسخ گوید: خداوند پروردگار من است و اسلام دین من و محمد^{صلی الله علیه و آله و سلم} پیامبر من است. آن دو فرشته به او می‌گویند: «خداوند تو را در آنچه حشناود است ثابت قدم بدارد»، این است قول خداوند: «يَكْبَثُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا ...». آنگاه دری از بهشت به روی قبر او گشوده می‌شود. (طبرسی، ۸: ۱۴۰۸، ۶: ۳۱۴)

دو. آیه ۱۲۴ سوره طه:

وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَتَحْشِرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى.
و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی تنگ (و پر زحمت) خواهد داشت
و روز قیامت او را نابینا محشور می‌کنیم.

براساس برخی از روایات، این زندگی سخت، مربوط به عالم بزرخ است. محمدباقر مجلسی روایتی از امام سجاد^{علیه السلام} نقل می‌کند که فرمود: «این زندگی سخت، در عالم بزرخ است». آنگاه می‌گوید:

مراد از «معیشت ضنك» (زندگی تنگ و سخت) در آیه فوق، عذاب قبر است و مؤید این معنی آن است که قیامت را در آیه، بعد از آن ذکر نموده است و بسیاری از مفسران این گونه تفسیر کرده‌اند، و نمی‌توان گفت که مراد از معیشت ضنك، بدی حال در دنیا است، زیرا بسیاری از کافران در دنیا، معیشت راحت و گواراچی دارند، ولی بسیاری از مؤمنان در دنیا برخلاف آها، زندگی سختی دارند. علامه طبرسی در مجمع البیان می‌گوید: «گفته شده که منظور از «معیشت ضنك» عذاب قبر است، و این تفسیر از ابن مسعود و ابوسعید خدری و ... نقل شده است». (مجلسی، ۳۱۵: ۱۴۰۳، ۶: ۲۱۵)

سه. آیات ۸۸ و ۸۹ سوره واقعه:

فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقْرَبِينَ * فَرَوْحٌ وَرَيحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٍ.
اما اگر انسان از مقربان باشد در روح و ریحان (در نهایت آرامش و شادمانی) و در بهشت پر نعمت است.

امام صادق^{علیه السلام} در تفسیر این آیه می‌فرماید: منظور از «روح و ریحان»، آرامش و شادابی

در عالم قبر (برزخ) است، و مقصود از بهشت پر نعمت، بهشت آخرت (قیامت) می‌باشد.

(مجلسی، ۱۴۰۳: ۶/۲۱۷)

چهار. آیه ۶۲ سوره مریم:

وَلَهُمْ رِزْقٌ هُمْ فِيهَا بُكْرٌ وَّعَشِيًّا.

و هر صبح و شام روزی آنها (بندگان صالح) در بهشت مقرر است.

علی بن ابراهیم قمی با استفاده از روایات می‌گوید:

منظور از این بهشت، بهشت در عالم برزخ است که ارواح افراد با ایمان به آن

انتقال می‌یابد، چراکه در بهشت جاودان آخرت، صبح و شام وجود ندارد. (قمی،

(۱۳۶۷: ۶/۲۱۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۸)

ب) سایر روایات

دسته دیگری از روایات که می‌توان از آنها وجود عالم برزخ را استنباط نمود عبارتند از:

یک. در حدیثی از پیامبر آمده است: «القبر اما روضه من ریاض الجنه او حفره من حفر

النیران»، (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶/۲۱۴ و ۲۱۸) این حدیث در منابع شیعی با همین تعبیر از

امیرمؤمنان عليه السلام و امام سجاد عليه السلام نیز نقل شده است. باید گفت مقصود از اینکه قبر باعی است

از باغ‌های بهشت یا گodalی از آتش است، همان عالم برزخ است و این نکته‌ای است که از

روایات مربوط به عالم برزخ می‌توان به دست آورد.

افزون بر این عبارت قبر باعی است از باغ‌های بهشت یا گodal آتش است حکایت از

عذاب و نعمت الهی می‌کند و اینکه انسان پس از مردن یا از نعمت الهی برخوردار است یا در

عذاب گرفتار خواهد بود جز با حیات بزرخی معنا ندارد.

دو. پس از پایان یافتن جنگ بدر، به دستور پیامبر اجساد کشته شدگان را در چاهی

ریختند پیامبر کنار چاه ایستاد و چنین فرمود:

ای اهل چاه آیا آنچه را خدا و عده داده بود دریافتید که حق است، من و عده

پروردگارم را حق و قطعی یافتم. عده‌ای گفتند: ای رسول خدا، آیا آنان سخن

شما را می‌شنوند؟ فرمود: شما نسبت به آنچه می‌گوییم از آنان شناور نیستید و آنان بهتر از شما می‌شنوند ولی امروز نمی‌توانند پاسخ دهند. (همان: ۲۵۴)

سه. هنگام بازگشت امیرمؤمنان از جنگ صفين، آن حضرت کنار قبرستانی پشت دروازه کوفه ایستاد و خطاب به اهل قبور چنین فرمود:

ای ساکنان دیار وحشت و سرزمین خشک و سوزان، شما از ما زودتر به آن جهان رفتید و ما نیز به دنبال شما می‌آییم، [به شما بگوییم] که پس از شما خانه‌هایتان را دیگران ساکن شدند و همسران شما به ازدواج دیگران در آمدند و اموال شما تقسیم شد. این خبری است که نزد ما بود، شما از آنجا چه خبر دارید؟ سپس به یاران خویش فرمود: آگاه باشید اگر به آنان اجازه سخن گفتن داده می‌شد به شما خبر می‌دادند که بهترین زاد و توشه تقسوی و پرهیزکاری است. (سید رضی، ۱۳۷۰: ح ۱۳۰)

این احادیث حکایت از آن دارد که انسان پس از مرگ، از حیات و زندگی برخوردار است و می‌تواند با این جهان ارتباط برقرار کند و احیاناً پاسخگو نیز باشد. البته گرفتن پاسخ آسان اختصاص به گروهی دارد که چشم برزخی آنان باز شده و توانایی دیدن آن حقایق را داشته باشند. چهار. امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: «به خدا قسم من بر شما از عالم برزخ می‌ترسم».

(حویزی، ۱۴۱۵: ح ۵۵۳)

و نیز آن حضرت در حدیث دیگری فرمود:

عالم برزخ همان قبر است و آن بهرمندی از ثواب و عقاب مابین دنیا و آخرت است. (همان: ح ۱۲۲)

پنج. روایاتی که به گونه‌های مختلف از سؤال در قبر خبر می‌دهند و اینکه چه کسانی مورد سؤال قرار می‌گیرند و از چه چیزهایی سؤال می‌شود، حکایت از آن دارد که انسان پس از مرگ از حیات و زندگی برخوردار است. امام صادق علیه السلام فرمود:

لا يسئل في القبر الا من محض الاعيان محضا او محض الكفر محضا و الاخرون يلهون عنهم. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱۲ / ۲۶۶)

تنها اشخاصی در قبر مورد سؤال قرار می‌گیرند که یا مؤمن محض یا کافر محض باشند و سایرین به حال خود رها می‌شوند.

یعنی پرسش و سؤال قبر از کسی است که در حیات دنیوی خویش برای رسیدن به حقیقت تلاش کرده است و به عقاید حقه نائل شده است و در تطبیق عمل خود با آن عقاید کوشیده هرچند در مقام عمل مرتكب خطا شده است و یا از کسی است که به حق توجه نکرده و با آنکه باید جانب حق را می‌گرفت در اثر هواهای نفسانی آن را نادیده گرفته و انکار نمود. ولی کسانی که اصطلاحاً از آنان به عنوان مستضعف فکری یاد می‌شود که در زندگی خویش از رشد لازم و مطلوب فکری برخوردار نبوده‌اند در قبر مورد سؤال و جواب قرار نمی‌گیرند و آنچه از روایات استفاده می‌شود این است که امر آنان موكول به مشیت و اراده حضرت حق است.

در روایت دیگری امام باقر علیه السلام فرماید: «سؤال شدگان در قبر یا مؤمن محض و یا کافر محض هستند.» (مجلسی، کلینی، ۱۴۰۳؛ ۲۶۰ / ۳: ۲۲۵) این احادیث و احادیثی از این قبیل فقط از این جنبه مورد توجه قرار گرفته‌اند که می‌تواند اصل وجود عالم بزرخ را اثبات کند؛ چراکه سؤال و جواب و عذاب و نعمت و ... اثبات‌کننده وجود چنین جهانی است که اگر چنین عالمی وجود نداشته باشد موارد مذکور در منابع دینی بی‌معنا خواهد بود.

ویژگی‌های عالم بزرخ

چنانکه گذشت در قرآن کریم نسبت به اصل وجود بزرخ سخن به میان آمده است اما به ویژگی‌ها و جزئیات بیشتر در این باره اشاره نشده است از این رو می‌بایست خصوصیات و حقایق مربوط به آن عالم را در روایات معصومین علیهم السلام جستجو نمود. در اینجا با استفاده از روایات به بخشی از ویژگی‌ها و خصوصیات حیات برزخی اشاره می‌نماییم:

الف) سؤال قبر

براساس روایات متعدد «سؤال قبر» که یکی از ویژگی‌های عالم بزرخ است، مربوط به کسانی

است که ایمان خالص یا کفر خالص دارند، ولی سایر مردم، سؤال قبر ندارند. (بنگرید به: کلینی، ۱۳۸۸: ۳ / ۲۳۵) اگرچه سایر مردم سؤال قبر ندارند اما حیات بزرخی دارند چنانکه از روایات فهمیده می‌شود که فشار قبر به عموم مردم (جز اندکی از اولیای خدا) می‌رسد.

ابوبکر حضرتی گوید از امام صادق علیه السلام پرسیده: «چه کسانی در قبر از آنها سؤال می‌شود؟ امام علیه السلام در پاسخ فرمود: از کسانی که ایمان خالص یا کفر خالص دارند». (همان: ۲۳۷)

بعضی معتقدند که این روایات، با روایات بسیاری که در مورد سؤال قبر از عموم مردم نقل شده، تعارض دارد، از این رو گفته شده: منظور، سؤال خاص است که مخصوص مؤمن خالص و کافر خالص می‌باشد، و یا اینکه مثلاً در مورد اصل نماز، روزه، حج و ولایت از عموم مردم سؤال می‌شود؛ زیرا مستضعفین فکری و ناآگاهان در مورد جزئیات معذورند. (تبیسر کانی، ۱۳۷۲ / ۵)

ب) سؤال فرشته نکیر و منکر

براساس روایات بسیار به هنگام مرگ انسان، دو فرشته که به نکیر و منکر نام بردار است به سراغ او می‌آیند و با طرح سؤالاتی به بازجویی از او می‌پردازند. در حقیقت با حضور این دو فرشته نخستین دادگاه انسان، بعد از مرگ آغاز می‌گردد.

چگونگی برخورد آنها با انسان براساس میزان ایمان و انحراف او است، چنانکه ابوبصیر از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا این دو فرشته بر مؤمن و کافر، به یک صورت، وارد می‌شوند؟ امام علیه السلام فرمود: نه. (کلینی، ۱۳۸۸: ۳ / ۲۳۹)

بنابراین پاسخ به سؤالات نکیر و منکر بر اساس روحیه و باطنی است که در دنیا داشته است.

پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله و سلم فرمود:

ان القبر اول منازل الاخره، فان نجا منه، فما بعده ايسر منه، و ان لم ينج منه
فما بعده ليس اقل منه. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶ / ۲۴۲)

قبر نخستین منزل، از منازل آخرت است، اگر انسان در این منزل نجات یافت، راه نجات در منزل‌های بعدی آسان‌تر است، و اگر از این منزل نجات نیافت، راه نجات در منزل‌های بعدی، کمتر و سهل‌تر از آن نیست.

در اینکه چه چیزهایی مورد پرسش قرار می‌گیرد روایات مختلف است. از محتوای روایات چنین برمی‌آید که برخی پرسش‌ها نظیر پرسش‌هایی درباره اصول عقاید، کیفیت گذراندن عمر، چگونگی کسب درآمد و امثال آن حتمی است.

به عنوان نمونه امام سجاد<ص> می‌فرماید:

الا و انْ اَوْلُ ما يَسْأَلُنَّكُ عن رَبِّكَ الَّذِي كَنْتَ تَعْبُدُهُ وَ عَنْ نَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْنَا إِلَيْكُ وَ عَنْ دِينِكَ الَّذِي كَنْتَ تَدْعُونَ بِهِ وَ عَنْ كِتَابِكَ الَّذِي كَنْتَ تَتَلَوَّهُ

(همان: ۲۲۳)

آگاه باش اول چیزی که آن دو فرشته می‌پرسند از خدایی است که او را عبادت می‌کردی و پیامبری که به سوی تو فرستاده شد و دینی که بدان پایبند بودی و کتابی که آن را تلاوت می‌کردی.

ج) فشار قبر

یکی از ویژگی‌های عالم بزرخ «فسار قبر» است اما اینکه حقیقت فشار قبر چیست؟ آیا روح انسان تحت فشار قرار می‌گیرد؟ یا قالب مثالی؛ یعنی روح و جسم لطیف او (شبیه عالم خواب)؟ یا این که روح با همین جسد دنیوی رابطه برقرار کرده و خود را در فشار می‌نگردد؛ بعضی از روایات بیانگر دیدگاه سوم است، چنانکه محمد باقر مجلسی می‌نویسد:

و اغا السؤال و الضغطه في الاجساد الاصليه و قد يرتفع عن بعض المؤمنين.

(همان: ۲۷۰)

همانا سؤال قبر، و فشار قبر در جسد های اصلی صورت می‌گیرد، و این دو برای بعضی از مؤمنین برداشته می‌شود.

بنابراین آنچه قطعی است وجود اصل «فسار قبر» است. این فشار قبر نسبت به افراد از نظر مدت، چگونگی، شدت و ضعف تفاوت دارد، برای عده‌ای شدید و برای برخی دیگر ملایم‌تر است. در برخی از روایات فشار قبر به عنوان کفاره گناهان قلمداد شده است چنانکه پیامبر اکرم<ص> در هنگام دفن سعد بن معاذ فرمود: «هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه در قبر فشاری دارد». (همان: ۲۶، ح ۱۶ و ۱۹)

د) رابطه ارواح برزخی با دنیا

یکی از ویژگی‌های حیات برزخی، ارتباط مردگان با دنیای مادی است. در روایات بسیاری آمده است که پس از مرگ رابطه انسان با دنیا به طور کلی قطع نمی‌شود بلکه انسان که و بیش از وضع این جهان آگاه است و می‌تواند با آن ارتباط برقرار نماید تا آنجا که در منابع حدیثی بخشی با عنوان «ان المیت لیزور اهلہ» آمده است. در روایات اسلامی این نکته یادآوری شده است که افراد مختلف با ایمان و بی‌ایمان گاهی به دیدار اهل خویش می‌آیند چنانکه در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است:

ان المؤمن لیزور اهلہ فیری ما یحبّ و یستر عنه ما یکرہ، و ان الکافر لیزور

اہله فیری ما یکرہ و یستر عنه ما یحبّ. (کلینی، ۱۳۸۸: ۳/۳۳۰)

مؤمن اهل خویش را زیارت می‌کند و آنچه او را خشنود می‌کند از آنان می‌بیند، ولی ناخوشایندی‌ها از دید او پنهان نگاه داشته می‌شود و کافر به عکس تنها بدی‌ها و ناخشنودی‌ها را می‌نگرد و خوشی‌ها را نمی‌بیند. (و غمگین می‌شود)

نتیجه اینکه: ارتباط ارواح در عالم برزخ با عالم دنیا به قدری است که آن ارواح، از آثار اعمال که در دنیا انجام داده‌اند و یا از کار خیری که دیگران به نیت آنان انجام می‌دهند بهره‌مند می‌گردند. آنچه که موجب نجات انسان در عالم برزخ است اعمال نیک اوست که در دنیا به جا آورده یا دیگران در حق آنان انجام داده‌اند؛ چنانکه امام علی علیه السلام می‌فرماید:

همانا هر مسلمانی، دارای سه دوست است یکی از آنها می‌گوید: من تا هنگام مرگ با تو هستم و آن مال او است؛ و یکی از آنها می‌گوید: من تا کنار قبر، دوست تو هستم و آن «فرزندان او» هستند. ولی یکی از آنها می‌گوید: «انا معک حیا و میتا»، من در زندگی و مرگ، همواره همراه تو هستم و آن عمل او است. (صدقه، ۱۳۶۱: ۲۳۲)

و نیز امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

شش چیز است که مؤمن پس از مرگ از آن بهره‌مند می‌شود: فرزند شایسته‌ای

که برای او استغفار کند؛ قرآنی که مردم آن را بخوانند؛ چاه آبی که حفر نموده و از آن استفاده می‌شود؛ درختی که نشانده و آب جاری که در اختیار مردم بگذارد و سنت نیکی که بعداً به آن عمل شود. (مجلسی، ۱۴۰۳ / ۶ : ۲۹۳)

ناگفته نماند: همان‌گونه که انسان در عالم بزرخ از اعمال نیک خود بهره‌مند می‌شود از آثار اعمال ناشایست خود نیز در این عالم رنج خواهد کشید. چنانکه رسول اکرم ﷺ در حدیثی فرمود:

و من سنّ سُنّة سَيِّدِهِ فَيَعْمَلُ هَا بَعْدَهُ كَانَ عَلَيْهِ وَزْرَهُ وَمُثْلُ أَوْزَارِهِ مِنْ غَيْرِ
إِنْ يَنْقُصَ مِنْ أَوْزَارِهِ شَيْئًا. (مجلسی، ۱۴۰۳ / ۶ : ۲۹۳)

و کسی که سنت بدی، پدید آورد و پس از مرگش به آن سنت بد، عمل شود، اثر آن سنت و آثار بد عمل کنندگان به آن سنت، به او می‌رسد بی‌آنکه از آثار بد عمل کنندگان، چیزی از آنان کاسته شود.

بهره‌مندی انسان از دعای خیر دیگران، داشتن فرزندان شایسته و خلف صالح، برخورداری انسان در عالم بزرخ از آثار سوء یا آثار خیر سنت‌های بهجا مانده و مانند آن همگی دلیل بر وجود عالم بزرخ و حیات برزخی است و این‌گونه روایات به‌طور گسترده در منابع روایی فرقین آمده است.

ه) پاداش‌های اهدایی در برزخ

باید توجه داشت که انجام کارهای نیک مانند: حج، صدقه، روزه و ... به نیابت از میت، پاداش و بهره‌مندی از آن، در عالم بزرخ برای میت خواهد بود.
احادیث فراوانی وجود دارد که ارواح مؤمنان به‌واسطه هدایایی که از طرف خویشان و دوستان برای آنها فرستاده می‌شود، خشنود می‌گردند.
چنانکه از امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

أَنَّ الْمَيْتَ لِيُفْرَحَ بِالْتَّرْحُمِ عَلَيْهِ وَالْاسْتَغْفَارِ لَهُ كَمَا يُفْرَحُ الْحَيُّ بِالْهَدِيَّةِ. (فیض
کاشانی، ۱۳۸۷ / ۸ : ۲۹۲)

میت با طلب رحمت و استغفار برای او خوشحال می‌شود، چنانکه انسان زنده به‌واسطه هدیه خشنود می‌گردد.

و از پیامبر اکرم ﷺ نیز روایتی به همین مضمون آمده است:

ان هدایا الاحیاء للاموات الدعاء و الاستغفار. (همان: ۲۹۱)
همانا هدیه زندگان به مردگان دعا و استغفار است.

همچنین امام رضا علیه السلام در روایتی می‌فرماید:

ما من عبد زار قبر مؤمن فقرء عليه «إِنَّ أَنْزُلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» سبع مرات الا
غفر الله له و لصاحب القبر. (همان: ۲۹۰)

هیچ مؤمنی نیست که به زیارت قبر مؤمنی برود و سوره انا انزلناه را هفتبار
قرائت کند، مگر اینکه خدا او و صاحب قبر را می‌آمرزد.

(و) تکامل در برزخ

درباره فلسفه وجود عالم برزخ و ضرورت آن چند نکته وجود دارد:
یک. انسان تا دوران تکامل عالم برزخ را سپری نکند، ورود به عالم دیگر برای او میسر
نمی‌شود. آدمی برای نیل به بهشت و جهنم ابدی باید شرایط برزخی را بگذراند تا در سایه
تکامل ذاتی و جوهری، جسم و روح مناسب با ادبیت را احراز نماید.
دو. یکی از فواید عالم برزخ فرصت جبران برخی از اعمال است. اگر کسی دینی بر عهده
دارد می‌تواند با وصیت و انجام آن از سوی وارثان از خود رفع عقاب نماید.
سه. از روایات استفاده می‌شود که در عالم برزخ بخشی از کمبودهای معرفتی انسان‌های
مؤمن جبران می‌گردد. درست است که در عالم برزخ جای عمل صالح نیست ولی می‌تواند
 محل معرفت بیشتر باشد. چنانکه امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرماید:

من مات من اولیائنا و شیعتنا و لم یحسن القرآن علم في قبره ليرفع الله به من
درجته، فان درجات الجنه علي قدر آيات القرآن، يقال له اقرء و ارق، فيقراء
شم برقی: (کلینی، ۱۳۸۸ / ۲ : ۶۰۶)

هر کس از دوستان و پیروان ما بمیرد و هنوز قرآن را به طور کامل فرانگرفته
باشد، در قبرش به او تعلیم می‌دهند تا خداوند بدین وسیله درجاتش را بالا برد؛

چراکه درجات بهشت به اندازه آیات قرآن است، به او گفته می‌شود. بخوان و بالا رو، او می‌خواند و بالا می‌رود.

نتیجه اینکه: هر چند در عالم برزخ توانایی بر خطاب و ثواب وجود ندارد و آنجا دیگر عالم تکلیف نیست، اما براساس برخی از روایات، انسان پس از مرگ نیز می‌تواند به واسطه داشتن سرمایه‌هایی از دنیا تغذیه شود و به تکامل و رشد برسد. یکی از این سرمایه‌ها سنت حسن و پی‌ریزی سیره نیک در جامعه است، چنانکه امام حسین علیه السلام از نبی اکرم علیه السلام روایت فرموده است:

هر کس سیره و روش خوبی را در جامعه بنیان نهد، اجر آن سیره و اجر کسانی که تا قیامت به آن سیره عمل می‌کنند برای او خواهد بود، بدون آنکه از اجر عاملین به آن چیزی کاسته شود. (مجلسی، ۲۹۳: ۱۴۰ و ۲۹۴)

همان‌گونه که اثر سنت حسن باقی است اثر سیره سینه نیز ممتد و دائمه‌دار است. براساس روایات کسی که سنت بدی را در جامعه بنیان نهد و دیگران از او پیروی کنند هر بار که آن سیره مورد عمل واقع شود برای بنیانگذار آن سیره گناه تازه‌ای ثبت می‌شود، چنانکه امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

هر بنده‌ای از بندگان خدا روش گمراх کننده‌ای را بین مردم ایجاد کند برای او گناهی همانند گناه کسانی است که مرتکب آن عمل شده‌اند بدون آنکه از گناه عمل کنندگان به آن کاسته شود. (همان: ۲ / ۲۴)

بنابراین یکی از تفاوت‌های عالم برزخ و قیامت در این است که پرونده انسان در عالم برزخ تغییر می‌کند اما در عالم آخرت تغییرناپذیر است.

ز) آگاهی و درک انسان در برزخ

از متون دینی استفاده می‌شود که با فرا رسیدن مرگ نه تنها شعاد دید و درک انسان کمتر نمی‌شود، بلکه بر وسعت آن افزوده می‌گردد. چنانکه امام علی علیه السلام فرمودند: «مردم خوانند همین که می‌میرند بیدار می‌شوند». (فیض کاشانی، ۷ / ۴۲؛ ۱۳۸۷) این فرمایش امام را به دو گونه می‌توان معنا کرد:

یک. منظور این است که در دنیا چیزهایی است که انسان از آنها غافل است و پس از مرگ متوجه آنها می‌شود و این عبارت کنایه از هوشیاری بعد از غفلت است. دو. معنای دیگر که استاد مطهری بیشتر بر آن تکیه دارد این است که درجه حیات بعد از مردن از پیش از مردن کامل‌تر و بالاتر است. همان‌طور که انسان در حال خواب از درجه درک و احساس ضعیفی برخوردار است و حالتی نیمه زنده و نیمه مرده دارد و هنگام بیداری آن حیات کامل‌تر می‌شود، همچنین حالت حیات انسان در دنیا نسبت به حیات بزرخی درجه‌ای ضعیفتر است و با انتقال انسان به عالم بزرخ کامل‌تر می‌شود. (مطهری، ۱۳۶۴: ۵۲۳ / ۲)

ح) تمثیل اعمال در بزرخ

براساس روایات، اعمال هر انسان از لحظه مرگ؛ یعنی در مراحل ابتدایی عالم بزرخ، تمثیل و تجسم می‌یابد و صاحب قبر با چشم بزرخی آن را می‌بیند و تا زمان برپایی قیامت با او خواهد بود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

وقتی شخص با ایمان را در قبرش می‌گذارند دری به رویش گشوده می‌شود و جایگاه خود را در بهشت می‌بینند. از آن دری که به عالم غیب گشوده شده صورتی زیبا خارج می‌شود و شخص با ایمان به او می‌گوید: «تو کیستی؟» که من از تو زیباتر ندیده‌ام و تا قیامت با تو هستم و از تو جدا نمی‌شوم. هنگامی که شخص کافر را در قبرش می‌گذارند دری به رویش گشوده می‌شود و جایگاه خود را در آتش می‌بینند. سپس از آن درب صورتی زشت و کریه خارج می‌شود و شخص کافر به او می‌گوید: تو کیستی که من صورتی از تو قبیح‌تر ندیده‌ام؟ پاسخ می‌دهد: من عمل بد تو هستم که در دنیا انجام می‌دادم و نیت ناپاک تو هستم که در دل داشتم و تا قیامت با تو هستم و از تو جدا نمی‌شوم. (کلینی، ۱۳۸۸: ۲۴۲ - ۲۴۱)

همچنین امام صادق علیه السلام در حدیثی دیگری می‌فرماید:

هنگامی که جنازه انسان مؤمن را در میان قبر می‌گذارند نماز او در جانب راست و زکات او در جانب چپ او می‌ایستد، و احسان او، بر او سایه می‌افکند و صبر و استقامت او در نقطه‌ای دورتر از آنها قرار می‌گیرد، آنگاه صبر به نماز و زکات و

احسان می‌گوید: «مواذب رفیق خود باشید، اگر (در نجات او) درمانده شدید، من حاضرم». (همان: ۹۰ / ۲)

ط) شفاعت در بزرخ

مطابق روایات، شفاعت اولیای خدا در عالم بزرخ محدود است و ممکن است شفاعتی در کار نباشد. امام صادق علیه السلام در ضمن گفتاری به یکی از شیعیان فرمود:

اما في القيامه فكلكم في الجنه بشفاعة النبي المطاع، او وصي النبي، و لكنى و
الله اتخوّف عليكم في البرزخ. (همان: ۲۴۲ / ۳)

اما در قیامت همه شما با شفاعت پیامبر ﷺ که شفاعتش پذیرفته می‌شود یا با شفاعت وصی پیامبر ﷺ، در بهشت هستید، ولی سوگند به خدا در مورد عالم بزرخ در رابطه با شما ترس دارم.

بنابراین می‌توان چنین استنباط کرد که موضوع شفاعت در عالم بزرخ منتفی است و انسان با عمل خود دست به گریبان است و نتیجه عمل خوب یا بد خود را می‌بیند.

اما مطابق برخی از روایات و حکایات مانند حکایت سید حمیری، شاعر حمامه سرای اهل بیت علیه السلام در هنگام مرگ (مجلسی، ۱۴۰۳ / ۶: ۱۷۹) برخی از مؤمنین مورد الطاف خاص و نجات بخش پیامبر ﷺ و امامان علیهم السلام واقع می‌شوند، که می‌توان این الطاف خاص را به عنوان شفاعت آنها یاد نمود در این صورت این سؤال مطرح می‌شود که این دوگانگی روایات چگونه قابل توجیه است؟ پاسخ آنکه: در عالم بزرخ شفاعت به طور عموم، برای همه نیست ولی شفاعت برای افراد خاص که در دنیا بر اثر تلاش‌های صادقانه توانستند گناهان خود را جبران کنند، باقی خواهد بود. بنابراین، آن روایاتی که شفاعت در عالم بزرخ را نفی می‌کند، منظور شفاعت عمومی همانند شفاعت روز قیامت است و آن روایاتی که الطاف خاص و نجات‌دهنده اولیای خدا را در عالم بزرخ ثابت می‌نماید، منظور شفاعت آنها در مورد افراد خاص و برجسته است و محدود به حد ویژه‌ای می‌باشد.

ی) جایگاه ارواح مؤمنان و مشرکان در بزرخ

در اینکه همه انسان‌ها با مرگ وارد عالم بزرخ می‌شوند و یا اینکه عالم بزرخ شبیه عالم ماده

است اما آثار و عوارض آن را ندارد، شکی وجود ندارد. اما درباره وجود جایگاه خاص برای ارواح مؤمنان، مشرکان، خوبان و بدان روایات مختلف است:

در روایات آمده است که ارواح مؤمنان در وادی السلام نجف دور یکدیگر جمع می‌شوند؛ (کلینی، ۱۳۸۸: ۳ / ۲۴۳) یعنی وادی امن و امنیت که ظهور آن وادی در این دنیا در سرزمین نجف اشرف است که وادی ولایت الهی است. و نیز امام صادق علیه السلام در حدیثی دیگر فرموده است:

هنگامی که مؤمن از دنیا می‌رود، به او گفته می‌شود از غم‌های دنیا خلاص شدی، و هم اکنون رسول خدا علیه السلام و فاطمه علیهم السلام در پیش روی تو هستند. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶ / ۱۸۴)

در مورد ارواح کفار و مشرکان و گناهکارانی که قابل عفو و بخشش نیستند نیز آمده است که ارواح آنان در «وادی برهوت» یمن خواهند بود. چنانکه امیرمؤمنان علیه السلام فرمود:

اروح کفار پس از مرگشان در وادی برهوت گرددهم می‌آیند که آن وادی انواع شکنجه و عذاب‌ها را در خود دارد. (همان: ۲۷۹)

و نیز آن حضرت می‌فرماید:

اگر آنچه مردگان پس از مرگ، مشاهده کرده‌اند شما هم می‌دیدید، وحشت می‌کردید و می‌ترسیدید و (سخنان حق را) می‌شنیدید و اطاعت می‌کردید، ولی آنچه آنها دیدند، از شما پوشیده است، اما بهزودی پرده‌ها کنار می‌رود (و شما نیز مشاهده خواهید کرد). (سید رضی، ۱۳۷۰: خ ۲۰)

عبارت «اگر آنچه مردگان پس از مرگ مشاهده کرده‌اند» بیانگر آن است که هنگام مرگ، پرده از پیش چشم انسان به کنار می‌رود و او حقایق را به روشنی می‌نگرد. ابن ابیالحدید معترلی شارح نهج البلاغه می‌گوید: «ممکن است مقصود این باشد که همه هنگام مرگ، امام علی علیه السلام را می‌بینند.» وی سپس با ذکر اشعاری که مضمون آن را امام علی علیه السلام به حارت همدانی فرموده، می‌گوید:

من مؤمن او منافق قبل	يا حار همدان من يمت يرنى
يعينه و اسرمه و ما فعلا	يعرفني طرفه و اعرفه
	(ابن ابیالحدید، ۱۴۱۸ / ۱: ۲۹۹)

ک) جایگاه متوضعین و مستضعفین در بزرخ

در بزرخی از روایات به سرنوشت مبهم این افراد تصریح شده که به طور قطع مقصود از آن بیان احوال آنان در قیامت نیست؛ زیرا در آخرت وضعیت همگان روشن می‌شود اما در شرایط بزرخی که هنوز محاکمه نشده‌اند آینده آنها روشن نیست. در میان انسان‌ها گروهی هستند که به مجرد مرگ به حساب آنها رسیدگی نمی‌شود بلکه حساب آنان تا قیامت به تأخیر می‌افتد و منوط به امر خدا می‌گردد که آنان را عذاب کند و یا اینکه گناه آنان را بیامزد. قرآن کریم از این گروه به عنوان مرجون لامر الله (توبه / ۱۰۶) و مستضعفین (نساء / ۹۷) یاد کرده است.

ل) جایگاه شهدا در بزرخ

چنانکه قبلًا نیز گذشت از آیات زیادی می‌توان حیات و زندگانی شهیدان راه خدا را در عالم بزرخ به دست آورد؛ چنانکه می‌فرماید: «وَلَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَالًا بَلْ أَهْجَاءً عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ» شهدا در عالم بزرخ زنده‌اند و به مقام «عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ» نائل آمده‌اند. قرآن در آیه‌ای دیگر درباره خشنودی شهدا می‌فرماید:

فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبَشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوْهُمْ مِنْ خَلْفِهِمْ
أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزُنُونَ. (آل عمران / ۱۷۰)

آنها به آنچه خداوند از فضل خود داده است خشنودند و نسبت به کسانی که به آنها ملحق نشده‌اند نیز بشارت می‌دهند که هیچ ترس و اندوهی بر آنها نیست.

این آیه شریفه افزون بر حیات بزرخی شهیدان به روزی معنوی و ملکوتی آنان تصریح نموده است. از این آیه رابطه میان شهدا و بازماندگان آنها در دنیا نیز فهمیده می‌شود و شهدا و مؤمنین از این نظر مورد رضایت پروردگار قرار می‌گیرند که در ارتباط با دنیا و بازماندگان، از بدی‌های آنان مطلع نمی‌شوند بلکه خوبی‌های آنان را می‌بینند.

حیات بزرخی پیامبر و امام

فرقه وهابیت که به جمود فکری معروف و از عمق مسائل بی‌اطلاع‌اند با تکیه به ظاهر بزرخ

از آیات قرآن و بدون بررسی و در نظر گرفتن آیات دیگر بر نفی هرگونه علم و حیات و آگاهی پس از مرگ حتی از پیامبر ﷺ اصرار دارند. یکی از دلایل آنها برای نفی توسل همین ادعاست. آنها معتقدند که رابطه پیامبر ﷺ با مردن بهطورکلی با دنیا قطع می‌شود. آنان به آیاتی از قرآن نظیر آیه شریفه: «مَا أَنْتَ بُسْمِعٌ مِّنْ فِي الْقُبُوْرِ؛ (فاطر / ۲۲)» یعنی تو نمی‌توانی سخن خود را به گوش آنها که در قبرها خفته‌اند برسانی.» و یا آیه شریفه: «فَإِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمُوْتَىْ؛ (روم / ۵۲)» تو نمی‌توانی سخن خود را به گوش مردگان برسانی.» استناد کرده و چنین استنباط کرده‌اند که مردگان حتی پیامبر مطلقاً چیزی نمی‌فهمند درحالی که به آیات بیانگر وجود حیات برزخی برای همه انسان‌ها توجیه نکرده‌اند.

پیامبران مانند سایر انسان‌ها از حیات برزخی برخوردارند و آیات مورد بحث نشان از عدم درک مردگان به‌طور طبیعی و عادی و قطع ارتباط انسان در جهان برزخ با عالم دنیا دارد جز در مواردی که خداوند به برقراری ارتباط فرمان دهد. از این‌رو ما در شرایط عادی نمی‌توانیم با مردگان ارتباط برقرار کنیم. به این جهت است که پیامبر ﷺ در جنگ بدر دستور داد اجساد کفار در چاهی افکنده شود آنگاه آنها را صدا زد و فرمود: آیا شما آنچه را که خدا و رسولش و عده داده بود به حق یافیند؟ من که آنچه را خداوند به من و عده داده بود به حق یافتم، در اینجا خلیفه دوم اعتراض کرد و گفت: ای رسول خدا، چگونه با اجسادی که روح در آنها نیست، سخن می‌گویی؟ پیامبر ﷺ فرمود: شما سخنان را از آنها بهتر نمی‌شنوید چیزی که هست آنها توانایی پاسخگویی را ندارند. (بنگرید به: بخاری، ۱۴۱۱، ۵ / ۷۶ - ۶۶)

امام علی علیه السلام نیز هنگامی که از صفين برمی‌گشت در کنار قبرستانی که پشت دیوار شهر کوفه قرار داشت و آنها را مخاطب ساخته سخنانی در نایابی‌داری دنیا به آنها فرمود. سپس افزود: این خبری است که نزد ماست، نزد شما چه خبر است؟ آن حضرت در ادامه فرمود: اگر به آنها اجازه سخن گفتن داده شود به شما خبر می‌دهند که بهترین زاد و توشه آخرت تقوی است. (سید رضی، ۱۳۷۰: ح ۱۳۰)

آنچه بیان شد دلیل بر این است که مردگان سخنان را می‌شنوند و قادر بر پاسخگویی هستند اما اجازه پاسخگویی ندارند. دلیل دیگر بر شنوازی آنان تلقین «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» به

مردگان است، چنانکه در روایات آمده است: «مردگان خود را تلقین *لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَنِيْد*».

(مسلم بن حجاج، ۱۴۰۷ / ۲ / ۶۳۱)

از سوی دیگر پیامبر ﷺ و اولیای الهی با دیگران متفاوتند، آنها همانند شهدا بلکه در صف مقدم بر آنان قرار دارند و زندگان جاویدند و از روزی پروردگار بهره می‌گیرند و به فرمان خداوند ارتباط خود را با این جهان حفظ می‌کنند. همان‌گونه که در این جهان توانایی برقراری ارتباط با مردگان را داشته‌اند.

از این‌رو در روایات فراوانی که در منابع روایی فریقین آمده است، نقل شده که پیامبر ﷺ و امامان *ع* سخن کسانی را که از دور و نزدیک به آنها سلام می‌فرستند، می‌شنوند و به آنها پاسخ می‌گویند و حتی اعمال امت بر آنها عرضه می‌گردد. انس بن مالک از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند که فرمود: انبیا در قبرهایشان زنده و نمازگزارند. (مناوی، بی‌تا: ۳ / ۱۸۴)

نکته دیگر این است که ما در تشهید نماز بر پیامبر ﷺ سلام می‌فرستیم و این اعتقاد مورد عمل همه مسلمین است. از این‌رو چگونه ممکن است او را به چیزی که هرگز آن را نمی‌شنود مخاطب سازیم و دلیلی بر حمل این حقیقت بر مجاز وجود ندارد.

۱. استمرار حیات پس از انتقال از دنیا

از آیات قرآن به روشنی استفاده می‌شود که مرگ انسان پایان حیاتش نیست بلکه انتقال از حیاتی به حیات دیگر است. انسان با مرگ وارد عالم جدیدی می‌شود که عالی‌تر و گستردگرتر از عالم مادی است؛ چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَلَا تُؤْتَ لَمْ تَمُوتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ اللَّهُ الَّتِي قَضَى عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيَرْسِلُ الْأُخْرَى إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ. (زم / ۴۲)

خداست که وقت مرگ ارواح خلق را می‌گیرد و آن را که هنوز وقت مرگش فرانزیسیده در حال خواب روحش را قبض می‌کند سپس آن را که حکم به مرگ کرده به بدنش می‌فرستد تا وقت معین و این کار نیز ادله قدرت الهی برای اندیشمندان است.

همچنین آیه ۱۶۹ سوره آل عمران بر استمرار حیات در عالم بزرخ دلالت دارد.
از آیات دیگر نیز استفاده می‌شود که این حیات بزرخی به شهدا اختصاص ندارد، بلکه شامل تمام افراد صالح و مؤمنان مطیع نیز می‌شود، چنانکه خداوند متعال می‌فرماید:

وَمَنْ يَطِعُ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَعْمَلُوا لَهُمْ مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالصَّدِيقِينَ
وَالشَّهِدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسْنَ أَوْتَانِكَ رَفِيقًا. (نساء / ۶۹)

آنان که خدا و رسول را اطاعت کنند، البته با کسانی که خدا به آنان لطف و عنایت کامل فرمود یعنی با پیامبران و صدیقان و شهیدان و نیکوکاران محشور خواهند شد و اینان رفیقان نیکویی هستند.

۲. وجود ارتباط میان حیات بزرخی و حیات مادی

از مجموع آیات و روایات استفاده می‌شود که میان حیات بزرخی و مادی و انسان‌های عالم بزرخ و دنیا ارتباط برقرار است، بدین معنا که انسان‌ها هنگامی که در عالم مادی آنها را صدا می‌زنند، می‌شنوند و هنگامی که از آنان سؤال و درخواست می‌کنند به این خداوند متعال جواب می‌دهند. در ادامه به برخی از این آیات و روایات اشاره می‌شود:

الف) آیات

خداوند متعال درباره قوم صالح می‌فرماید:

فَأَخَذَنَّهُمُ الرَّجُحَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَائِمِينَ * فَتَوَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمَ لَقَدْ
أَبَغَتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ. (اعراف / ۷۸ - ۷۹)
پس زلزله‌ای بر آنان آغاز گردید تا آنکه همه در خانه‌هایشان از پای در آمدند.
چون علائم عذاب رسید صالح از ایمان قوم نامید شد و از آن روی گردانید و
گفت: ای قوم من از خدای خود ابلاغ رسالت کردم و شما را اندرز دادم و لکن
شما ناصحان را دوست نمی‌دارید.

درباره قوم شعیب نیز این گفتوگو آمده است. در قرآن آمده است:

وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ آلِهَةً يَعْبُدُونَ.

(زخرف / ۴۵)

از رسولانی که پیش از تو فرستادیم بازپرس که آیا ما جز خدای یکتای مهریان خدای دیگری را هم معبد مردم قرار دادیم.

همچنین در آیاتی بر انبیای گذشته سلام فرستاده شده است: «سلام علی نوح في العالمين، سلام علی ابراهیم، سلام علی موسی و هارون، سلام علی آل یاسین، سلام علی المرسلین». از این آیات به خوبی دانسته می‌شود که میان عالم مادی و عالم بزرخ ارتباط برقرار است.

ب) روایات

پیامبر اسلام ﷺ فرمود:

هر مسلمانی بر قبر برادر مؤمنش عبور کند، درحالی که او را در دنیا می‌شناخته و از او سؤال کند، خداوند روحش را بر می‌انگیزد تا جواب او را بدهد.
(ابن قیم جوزیه، بی‌تا: ۹)

بیهقی از سعید بن مسیب نقل می‌کند: ما با علی بن ابی طالب ﷺ به قبرستان مدینه وارد شدیم، حضرت ﷺ ندا داد: ای اهل قبرستان! سلام و رحمت خدا بر شما باد، آیا از خبرهای خود بر ما می‌گویید یا ما شما را خبر دهیم؟

سعید می‌گوید: صدایی شنیدیم که در جواب گفت: «و عليکم السلام و رحمة الله و برکاته يا امير المؤمنین» خبر ده ما را از آنچه اتفاق افتاد. علی ﷺ فرمود: اما زنان شما به همسری دیگران در آمدند، اموال شما تقسیم شده و اولاد شما نیز در زمرة ایتمام در آمدند. ساختمان‌هایی که بنا کردید دشمنانتان در آنها ساکن شدند. این خبرهایی است که نزد ماست، خبرهایی که نزد شماست چیست؟

سعید می‌گوید: مردهای به صدا در آمد و گفت: هر آینه کفن‌ها پاره شد، موها ریخت، پوست‌ها از بدن جدا شد، حدقه‌ها بر صورت‌ها ریخت و از بینی‌ها چرک بیرون آمد. آنچه را فرستاده بودیم یافتیم، و آنچه را به جا گذاردیم خسارت دیدیم. (موسی محمد علی، ۱۴۰۵: ۸)

نتیجه

یکی از مهم‌ترین آموزه‌های دینی، حیات برزخی یا جهان پس از مرگ و مراحل مربوط به آن

است. از دیدگاه دین مرگ پایان زندگی نیست؛ بلکه آغاز مهم‌ترین حوادث و رویدادهاست. بر این اساس بررسی عالم بزرخ و اثبات آن از نظر عقل و برهان و آیات و روایات در خور دقت و تأمل است.

در این مقاله با استفاده از آیات و روایات به بررسی اجمالی عالم بزرخ و حقایق و ویژگی‌های آن مانند: تکامل، تمثیل، شفاعت و ارتباط ارواح با دنیا پرداخته شد.

منابع و مأخذ

۱. ابن‌الحیدد، ۱۴۱۸ ق، *شرح نهج‌البلاغه*، بیروت، دار الكتب العلمیه.
۲. ابن‌فارس، احمد، ۱۴۰۴ ق، *مقاييس اللغه*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۳. ابن‌قیم‌جوزیه، محمد بن‌ابی‌بکر، بی‌تا، *الروح فی الكلام علی ارواح الاموات والاحیاء*، بیروت، دار الفکر العربي.
۴. بخاری، محمد بن‌اسماعیل، ۱۴۱۱ ق، *صحیح بخاری*، بیروت، دار الفکر.
۵. تویسر کانی، محمد نبی بن‌احمد، ۱۳۷۲، *لئالی الاخبار*، قم، علامه.
۶. حویزی، علی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، *تفسیر نور الثقلین*، قم، مؤسسه اسماعیلیان.
۷. سید رضی، ۱۳۷۰، *نهج‌البلاغه*، ترجمه مصطفی رحیمی‌نیا، تهران، انتشارات اسلامی.
۸. صدقوق، محمد بن‌علی بن‌بابویه، ۱۳۶۱، *معانی الاخبار*، قم، جامعه مدرسین.
۹. طباطبائی، سید محمد‌حسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، تهران، دار الكتب الاسلامیه.
۱۰. طبرسی، فضل بن‌حسن، ۱۴۰۸ ق، *مجمع‌البيان*، بیروت، دار المعرفة.
۱۱. طوسی، محمد بن‌حسن، ۱۳۸۳، *التسبیان فی تفسیر القرآن*، نجف، مکتبه الامین.
۱۲. طوسی، نصیر‌الدین، ۱۳۵۳ ق، *تجزید الاعتقاد*، صیدا، مطبعه العرفان.
۱۳. فیض کاشانی، ملام‌حسن، ۱۳۸۷، *محجه‌البیضاء*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۴. قمی، علی بن‌ابراهیم، ۱۳۶۷، *تفسیر قمی*، قم، دار الكتاب.

۱۵. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸ق، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۱۶. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربي.

۱۷. محمدی اشتهاردی، محمد، ۱۳۷۳، عالم بزرخ در چند قدمی ما، قم، مؤسسه انتشارات نبوی.

۱۸. مسلم بن حجاج، ۱۴۰۷ق، صحیح مسلم، بیروت، دارالکتاب العربي.

۱۹. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۴، مجموعه آثار، قم، انتشارات اسلامی.

۲۰. موسی، محمدعلی، ۱۴۰۵ق، حقیقته التوسل و الوسیله، بیروت، عالم الکتب.

